

تحلیلی جامعه‌شناختی بر نهضت جنگل بر مبنای نظریات تغییرات اجتماعی

دکتر قربانعلی کنارودی

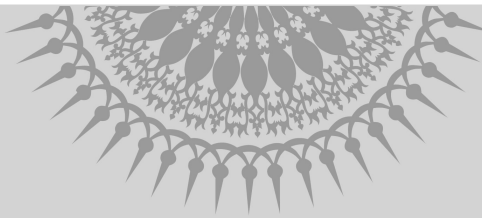
چکیده:

تاریخ معاصر ایران شاهد تحولات و جنبش‌های متعدد اجتماعی علیه دولت مرکزی و نیروهای استعمارگر و مداخله‌گر خارجی بوده است. یکی از این جنبش‌های انقلابی و اجتماعی که مبارزات خود را با استبداد داخلی و استعمار خارجی در سال ۱۲۹۴ش. شروع کرد و به مدت هفت‌سال ادامه داد، نهضت جنگل بود. هدف این مقاله نه پرداختن به ادبیات است و نه بررسی فلسفه نهضت، بلکه هدف مطالعه و شناخت نهضت جنگل به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی در تاریخ معاصر ایران است. تحلیل شواهد تاریخی بر مبنای نظریه تغییرات اجتماعی نشان داد که جنبش جنگل تحت تأثیر نهضت مشروطه‌خواهی ایرانیان و تفکر اتحاد اسلام حرکت خود را آغاز کرده و در دوره میانی نهضت، خواهان ایجاد نظام جمهوری شورایی در ایران شد و با از دست دادن نیروهای وفادار و روبه‌رو شدن با نیروهای مخالف خود و همچنین افراطی‌گری برخی همراهان و کاهش اتحاد و هیجان جمعی به پایان راه خود رسید.

روش به‌کار گرفته شده در این مقاله روش تاریخی است. در ابتدا اطلاعات تاریخی لازم درباره نهضت جنگل و رهبری و نیروهای نزدیک به رهبری و فضای اجتماعی حاکم بر آن جمع‌آوری و سپس داده‌های مناسب از منابع به‌صورت فیش‌های موضوعی استخراج و سازماندهی و منظم شده و در انتها فرضیه مطرح‌شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

گیلان، نهضت جنگل، جنبش‌های اجتماعی، تغییرات اجتماعی، اتحاد اسلام، قاجار.



تحلیلی جامعه‌شناختی بر نهضت جنگل بر مبنای نظریات تغییرات اجتماعی

دکتر قربانعلی کناررودی^۱

مقدمه:

در ایران معاصر هم‌زمان با تاریخ جهانی شاهد شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌های متعددی هستیم. برخی از جنبش‌ها مانند زنجیرهٔ به هم پیوسته می‌مانند که اهدافی مشترک را دنبال می‌کنند. هم‌زمان حرکت‌ها و جنبش‌های کوچک‌تر و با خصلت‌های محلی و منطقه‌ای نیز پیدا می‌شوند. یکی از این جنبش‌ها، جنبش‌های اجتماعی-محلی نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک‌خان در گیلان بوده است. این نهضت پس از ۹ سال از وقوع مشروطه آغاز شد و به مدت ۷ سال از سال ۱۲۹۴ / ۱۹۱۶ تا ۱۳۰۰ / ۱۹۲۲ در جنگل‌های گیلان ادامه یافت ولی علی‌رغم تلاش‌ها و کوشش‌های فراوان بدون دستیابی به اهداف مهم خود شکست خورد. میرزا کوچک‌خان در نامه خود به لنین در سال ۱۲۹۹ نهضت خود را در ادامه حرکت مشروطه‌خواهی ملت ایران دانسته و با عنوان انقلاب ۱۴ ساله ملت ایران از آن یاد می‌کند (فخرایی، ۱۳۶۲، ص ۲۸۲). گیلان در انقلاب مشروطه نقش مهمی داشت و با توجه به ترکیب اجتماعی رهبری مشروطه، طیف‌هایی از مستبدان سابق و مالکان و خوانین که برای حفظ منافع خود تلاش می‌کردند و برخی از طبقات و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی شهرهای گیلان و گروه‌های مردم محروم و ستم‌کش که به دنبال استقرار مشروطه و مجلس شورای ملی و فرار از ظلم و ستم اقتصادی و سیاسی بودند، تشکیل شد (رواسانی، ۱۳۸۱، ص ۳۰)؛ اما بعد از استقرار مشروطیت و ایجاد مجلس شورای ملی تغییری در وضعیت مردم پیش نیامد. رابطه

۱. استادیار، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛
gh.k.edu@gmail.com



دولت و حکام محلی و خوانین و اربابان به‌مانند سابق ادامه یافت و فقر و فقدان امنیت اجتماعی در زندگی دهقانان گیلانی ترمیم نشد (فخرایی، ۱۳۶۲، ص ۲۹). دهقانان در بسیاری از دهات گیلان به‌سبب نرخ ظالمانه بهره در زیر فشار سنگین وام از مالکان به وضعیت وخیمی رسیده بودند و به ناچار زمین و خانه خود را ترک می‌کردند (رابینو، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

در چنین شرایطی بود که میرزا کوچک‌خان در تهران با جمعیت اتحاد اسلام آشنا شد و به عضویت آن درآمد. پس از اندکی هیئت اتحاد اسلام در رشت تشکیل شد و بنیاد حرکت نهضت جنگل را بنا نهاد. می‌توان گفت نهضت میرزا در قالب اتحاد اسلام گیلان آغاز شد. اما پس از مدتی میرزا به همراه شش نفر از هم‌فکران خود از جمله دکتر حشمت از رشت خارج شده و در تولم در نزدیکی صومعه‌سرا رسماً ایجاد حکومتی بر مبنای اتحاد اسلامی و مبارزه با حکومت مرکزی، حکومت استعماری انگلیس و روسیه را اعلام کرد. نهضت جنگل پس از هفت سال تلاش در نهایت به‌دلیل اختلاف میان رهبران جنبش و تفرقه و جدایی آنان، پیوستن به روسیه و قوای قزاق تحت امر حکومت مرکزی، شکست خورد.

این مقاله به‌دنبال آن است تا از دریچه نظریات اجتماعی به‌خصوص از منظر تغییر اجتماعی، شناختی بهتر و دقیق‌تر از ابعاد مختلف نهضت جنگل ارائه دهد و دلایل شکل‌گیری، فرایندهای طی شده در آن و فروپاشی و مهم‌تر از آن بافت اجتماعی ایران در سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ را معلوم سازد و به این سؤال که نهضت جنگل طی هفت سال فعالیت از شکل‌گیری تا افول خود چه تغییراتی را پشت‌سر گذاشت پاسخی مناسب و درخور بدهد. فرض ما این است که نهضت جنگل بر مبنای ایدئولوژی اتحاد اسلام شکل گرفت و در ادامه حرکت خود به اصالت دینی و ملی میهنی روی آورد و در مقطعی از تفکر بلشویکی استفاده کرد. به‌همراه آن ترکیب ناموزون و ناهمگون اجتماعی در درون نهضت موجب تضاد در منافع و در نهایت تضعیف و شکست نهضت شد.

نظریات تغییر اجتماعی

بدون تردید یکی از واقعیت‌ها و خصوصیات مسلم اجتماعی، تغییر اجتماعی است. از تغییر اجتماعی تعاریف گوناگونی از سوی نظریه‌پردازان ارائه شده است که در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود.

استفان واگو تغییر اجتماعی را فرایندی از جایگزینی کمی و کیفی پدیده‌های اجتماعی می‌داند که ممکن است با برنامه یا بی‌برنامه باشد. از نظر او هر تغییر اجتماعی مشتمل بر چهار وجه هویت تغییر، سطح تغییر، دوره زمانی تغییر و جهت تغییر است (واگو، ۱۳۷۳، ص ۱۳). از نظر گی روشه، تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل‌رؤیت در طول زمان



به صورتی که موقتی یا کم‌دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثرگذار و جریان تاریخ آن را دگرگون کند. از منظر او باید میان تغییر و تحول تفاوت قائل شد. تحول اجتماعی مجموعه‌ای از تغییرات در طی چندین نسل است ولی تغییر اجتماعی تغییر در یک نسل یا یک دوره کوتاه‌مدت است و نیز در محیط جغرافیایی و اجتماعی محدود رخ می‌دهد (روشه، ۱۳۷۰، ص ۲۶).

تعریف جورج ریتزر از تغییر اجتماعی تنوع و دگرگونی در روابط اجتماعی میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، فرهنگ و جامعه است (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۱۵). کینزبرگ تغییر اجتماعی را به معنای تغییر در ساختار اجتماعی، در اندازه جامعه، در ترکیب یا تعادل اجزای آن و یا در نوع سازمان‌های آن می‌داند (Ginsberg, 1958, p.205).

ایدئولوژی نهضت جنگل

امروزه دیگر انقلاب‌ها و نهضت‌ها به صورت صد درصد ابداعی وجود ندارد زیرا نمی‌توان از انتقال تجارب و دستاوردها از انقلابی به انقلاب دیگر ممانعت به عمل آورد. از سوی دیگر، هر تحولی در ارتباط با تجارب و شرایط جدید متفاوت و متحول می‌شود. در واقع هیچ سنتی تثبیت شده و بدون تغییر نبوده و نیست. یکی از نکاتی را که می‌تواند در شناخت ایدئولوژی نهضت جنگل کمک کند، وابستگی آن به جمعیت اتحاد اسلام است. هیچ سخنی صریح‌تر و روشن‌تر از مرام‌نامه نهضت جنگل نمی‌تواند در این باره گویا باشد.

ما به نام اتحاد اسلام قیام کردیم و به این جمعیت مقدس منتسبیم ولی باید دانست که طرفدار اتحاد اسلامیم به نام ساده (انما المومنون اخوه) یعنی می‌گوییم در این موقع که تشتت کلمه و اختلاف اسلامیان، مسلمانان را به دست دشمن عمومی، ذلیل و زبون کرده نباید مسلمانان برادرکشی کنند و به نام شیعه و سنی و سایر عناوین مذهبی به جان هم افتاده و مجال استفاده به دشمن عمومی بدهند ... و به حکم اینکه ما ایرانی هستیم و مسئول و وظیفه‌دار حفظ این آب و خاک ایران و وطن مقدس ایرانیان در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است و بعد از موفقیت به انجام وظایف ایرانیت البته برادران اسلامی مادامی که به وظایف اخوت خود عمل کنند بر دیگران مقدم خواهند بود و از استقلال ممالک اسلامی خرسند و از تزلزل استقلال خانه‌های مسلمین متأثر می‌شویم (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره ۲۸، ص ۲-۳).

نکته دیگری که اعلام مواضع مندرج در روزنامه جنگل به چشم می‌خورد تکیه رهبران نهضت جنگل به وظایف ایرانیت است. دیگر اینکه هیئت اتحاد اسلام در گیلان و به طور کلی نهضت جنگل، پیرو سیاست‌های خاص دولت عثمانی که می‌کوشید تحت عنوان حمایت از



جنبش اتحاد اسلام در میان توده‌های مسلمان به مقاصد سیاسی و نظامی خود دست یابد، نخواهد شد و اسلامی‌بودن نهضت جنگل را از ایرانی‌بودن رهبران و یاران این نهضت نمی‌توان جدا کرد (رواسانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

برنامه آغازین اتحاد اسلام حاکی از آن است که هدف‌های اعلام‌شده، صرف‌نظر از هدف اخراج نیروهای بیگانه، بسیار عام و کلی بود. رفع بی‌عدالتی و مبارزه با خودکامگی و استبداد از آن جمله است درحالی‌که بعضی از سازمان‌دهندگان اتحاد اسلام از صیانت تاج و تخت سلطنت و اطاعت از شه‌ریار تاجدار سخن می‌گفتند، نهضت جنگل از جمهوری سخن به میان می‌آورد (رواسانی، ۱۳۸۱، ص ۴۰).

رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک‌خان، با وجودی که از قوای عثمانی که طرفداری از اتحاد اسلام می‌کردند و آلمانی‌ها که بر ضد روسیه و انگلیس به تشویق و تحریک قوای ایرانی می‌پرداختند، استفاده نظامی می‌کرد، ایرانی‌ت و اسلامیت خود را از دست نداده و همواره بیگانه را بیگانه می‌دانسته است. هر که بوده باشد. چنان‌که روس‌ها مکرر می‌خواستند او را تطمیع کرده و به دام خود بکشند اما او فریب آن‌ها را نخورد. عده زیادی از وطن‌خواهان هم که عاشق دیدار یک قوه ایرانی خالص بودند از تشکیل نهضت جنگل دلخوش و به آنجا متوجه بودند (دولت‌آبادی، ۱۳۳۱، ص ۹۳-۹۴).

طرد وضعیت حاضر

یکی از صفات ممیزه هر تحول اجتماعی این است که موجودیت رژیم خاصی را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را غیرقابل قبول و غیرقابل تحمل و محکوم می‌کند. بنابراین ایدئولوژی، جنبش‌ها در جهت طرد و نفی کامل وضعیت موجود همواره از آینده‌ای سخن به میان می‌آورند که کاملاً با وضعیت حال متفاوت است. معمولاً آنچه را که برای آینده پیشنهاد می‌شود، کم‌وبیش روشن و مشخص است و برگرفته از همان اصول اساسی انسانی است. عناوینی چون آزادی انسان، برابری کامل و حقیقی، رفاه جمعی، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدل و برادری، تعاون و همبستگی و امثال آن.

هیچ سندی بهتر از مرام‌نامه نهضت جنگل معرف طرز تفکر و آرمان‌های رهبران آن که در راه استقلال و آزادی توده‌های محروم جامعه ایرانی فداکاری کرده‌اند، نیست. در این مرام‌نامه آمده است:

آسایش عمومی و نجات طبقات زحمتکش (زارع، کاسب، کارگر) ممکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقیقی و تساوی افراد انسانی بدون فرق نژاد و مذهب در اصول زندگانی و حاکمیت اکثریت به‌واسطه منتخبین ملت. در ماده اول این مرام‌نامه صراحتاً آمده است که:



- ۱- حکومت عامه و قوای عالیه در دست نمایندگان ملت جمع خواهد شد.
- ۲- قوای مجریه در مقابل منتخبین مسئول بوده و تعیین آن‌ها از مختصات نمایندگان متناوب ملت می‌باشد.
- ۳- کلیه افراد بدون فرق نژاد و مذهب از حقوق مدنی به‌طور تساوی بهره‌مند خواهند بود.
- ۴- آزادی تامه افراد انسان در استفاده کامل از قوای طبیعی خود.
- ۵- الغای کلیه شئون و امتیازات (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۵۲۷).

در بیانیه چهاردهم خرداد ۱۳۹۹ ه.ش. میرزا کوچک‌خان تحت‌عنوان اعلام جمهوری صراحتاً به طرد حکومت قاجار اشاره می‌کند:

مطابق این بیانیه عموم رنجبران و زحمتکشان ایرانی را متوجه می‌سازد که جمعیت انقلاب سرخ ایران نظریاتش را تحت مواد زیر که در تبعیت از آن به وجه ملزومی وفادار خواهد بود به اطلاع عموم می‌رساند. ۱- جمعیت انقلاب سرخ ایران اصول سلطنت را ملغی کرده جمهوریت شورایی را رسماً اعلام می‌کند. ۲- حکومت موقت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را به عهده می‌گیرد. ۳- هر نوع معاهده و قراردادی که به‌ضرر ایران قدیماً و جدیداً با هر دولتی شده لغو و باطل می‌شناسد. ۴- حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته تساوی حقوق درباره آنان قایل و حفظ شعائر اسلامی را از فرایض می‌داند (رئیس‌نیا، ۱۳۶۰، ص ۲۳۶).

اصل عمومیت یا تمامیت

اصل عمومیت یا تمامیت در تمامی جنبش‌های اجتماعی به نوعی مصداق پیدا می‌کند و به چند صورت دیده می‌شود. اول آنکه ایدئولوژی انقلابی به اصولی متوسل می‌شود که دارای ارزش جهانی بوده و قابل قبول تمام انسان‌ها در تمام جوامع و ازمینه می‌باشد. این اصول از نقطه نظر عمومی و جهانی چنان باارزش است که به‌عنوان اصول بدیهی به‌سرعت مقبولیت عام پیدا می‌کند. مانند حق آزادی و خوشبختی برای هر فرد. دوم آنکه سنت ایدئولوژی انقلابی عمده‌تاً مبتنی بر تجسم و معرفی انسانی است که تمام ابعاد وجودش در جامعه کنونی خرد و مرعوب شده است و لذا ایدئولوژی انقلابی قصد نجات او را دارد. سوم آنکه برای نجات انسان نیازمند تجدید بنا یا بازسازی کل جامعه بر اساس معیارهای نو می‌باشد.

برای پی‌بردن به وجود اصل عمومیت اقتضا می‌کند به مرام‌نامه نهضت در ماده دوم تا هشتم مراجعه شود.

ماده دوم: حقوق مدنی

- ۱- مصونیت شخصی و مسکن از هر نوع تعرض و حریت اقامت. ۲- آزادی فکر عقیده،



اجتماعات، مطبوعات، کار، کلام، تحصیل. ۳- تساوی زن و مرد در حقوق مدنی و اجتماعی. ماده سوم ۱- انتخابات باید عمومی و متناسب و مساوی و مستقیم باشد. ۲- هر یک از افراد ۱۸ ساله حق انتخاب کردن و ۲۴ ساله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا هستند. ماده چهارم: اقتصاد

۱- منابع ثروت از قبیل خالصه‌جات، رودخانه، مراتع، جنگل‌ها، دریاها، معادن، طرق و شوارع و کارخانجات جزو علاقه عمومی است. ۲- مالکیت ارضی با ملاحظه تأمین معیشت عمومی تا حدی تصدیق می‌شود که حاصل آن عاید تولیدکننده شود. ۳- ممنوع بودن انحصار و احتکار ارزاق و سرمایه. ۴- تبدیل مالیات‌های غیرمستقیم به مستقیم تدریجاً. ماده پنجم: معارف، روحانیت، اوقاف

۱- تعلیمات ابتدایی برای کلیه اطفال مجانی و اجباری است. ۲- تحصیلات متوسط و عالی برای اطفالی که استعداد داشته باشند مجانی و حتمی است. تبصره: محصلین در انتخاب هر فنی از فنون آزادند. ۳- انفکاک روحانیت از امور سیاست و معاشی. ۴- دیانیت چون از عواطف قلبیه است باید مصون از تعرض باشد. ۵- ضبط و اداره کل اوقاف در دست عامه و تخصیص عواید آن‌ها به مصارف عمومی و امور خیریه و صحیه و تأسیس کتابخانه‌های عمومی. ماده ششم: قضاوت

۱- قضاوت باید سریع، ساده و مجانی باشد. ۲- تبدیل تنبیهات به اصول تکذیری. ۳- حبس مقصرین به اعمال شاقه باید به مدرسه و دارالتربیه اخلاقی تبدیل شود. ماده هفتم: دفاع

۱- ورزش و مشق نظامی برای مدارس ابتدایی و متوسطه اجباری است. ۲- برای تحصیل فنون نظام مدارس عالیّه تأسیس خواهد شد. ۳- در مقابل تهاجمات ضد اصول اجتماعی و تجاوزات کشور ستانی دفاع از وظایف عمومی و اجباری است. ماده هشتم: کار

۱- ممنوع بودن کار و مزدوری برای اطفالی که سنشان به چهارده سال نرسیده. ۲- برانداختن اصول بیکاری و مفتخواری به وسیله ایجاد مؤسسات و تشکیلاتی که تولید کار و شغل می‌نماید. ۳- ایجاد و تکثیر کارخانجات با رعایت حفظ و صحه کارگران. ۴- تحدید ساعات کار در شبانه‌روز منتهی به هشت‌سال. استراحت عمومی و اجباری در هفته یک روز (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۵۲۷-۵۲۹؛ فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۵۶-۵۹).

گذشته‌گرایی

معمولاً ایدئولوژی انقلابی گرایش دارد خود را با گذشته‌ای کم‌وبیش اسطوره‌ای و منزّه یعنی

گذشته‌ای که هنوز فساد کنونی در جامعه رواج نیافته بود، پیوند دهد. به‌عنوان مثال، جامعه قبل از مالکیت خصوصی، قبل از سلب آزادی، قبل از وابستگی، قبل از ماشین و فناوری و ... البته این به معنی برگشت به عقب یا سیر قهقرایی نیست زیرا هدف ایدئولوژی انقلابی همان‌گونه که پیشتر گفته شد فردایی نو و منزه را در نظر دارد. بنا بر این می‌خواهد به گذشته‌ای دور و آینده‌ای ایده‌آل و کامل‌تر از آنچه که تاکنون بشر به خود دیده است، پیوند دهد.

نهضت جنگل نیز با آرزوی به‌ثمر رساندن امیدها و تصورات مردم محروم ایران از نهضت مشروطه به‌پاخاست و از نظر اجتماعی دنباله آن نهضت به‌شمار می‌رود. گرایش‌های فکری میرزا کوچک‌خان که در طی نهضت جنگل به بلوغ خود رسید از خیلی پیشتر در او پرورده شده بود. او در دوران جوانی در طلب علم، کسوت روحانیت را بر تن کرده و از این‌رو گرایش‌های مذهبی در او تقویت شد. همچنین به‌سرعت سرنوشت خود را با مبارزات اجتماعی ترقی‌خواهانه پیوند زد. او سخت معتقد به انجام فرایض دینی و مؤمن به اصول اخلاقی بوده و در برابر هر بی‌عدالتی قیام می‌کرد و با آغاز نهضت مشروطیت خود را از لحاظ اعتقادی در مدار بالاتری قرار داد (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۲۶).

نگرش مذهبی میرزا در لابه‌لای نامه‌ها و بیانیه‌های او منعکس شده است. در یکی از نامه‌ها می‌نویسد: «بنده به حول قوه الهی مستغنی از هرگونه کمک و معاضدت بوده هیچ‌چیز بر عزم آهنین و عقیده متین استوارم رخنه نمی‌کند...» (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۴۸۹). میرزا در آخرین نامه‌اش به تاریخ ۵ آبان ۱۳۰۰ تقریباً یک‌ماه قبل از شهادتش می‌نویسد: «... ولی اتکاء بنده و همکاران به خداوند دادگری است که در بسیاری از این اتفاقات ما را در پرتو توجهات خود محافظت کرده است. به‌جز از خداوند به هیچ‌کس مستظهر نبوده و امیدوارم که توجهات کامله‌اش شامل حال و یار و معین ما باشد» (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۵۰۴-۵۰۵). میرزا در نامه‌ای به کیکاچنکف، رئیس آتریات تهران - که خواهان تسلیم میرزا شده بود - می‌نویسد:

کابینه حاضر می‌گوید من محض استفاده شخصی باید مملکت را در بازار لندن به ثمن بخش بفروشم. در قانون اسلام مدون است که کفار وقتی که به ممالک اسلامی مسلط شوند مسلمین باید به مدافعه برخیزند. در مقابل جوابی را که موسی (ع) در مقاتله با فرعون و محمد (ص) به ابوجهل و سایر مقنین و قاعدین آزادی و روحانی در محکمه عدل الهی می‌دهند من هم می‌دهم (موسوی، ۱۳۵۸، ص ۲۶).

همچنین آمده است که در گوراب زرمیخ - مرکز تأسیسات نظامی جنگل - جلسات منظمی برای قرأت شاهنامه فردوسی و تهییج روح سلحشوری افراد ترتیب داده شده بود (فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۳۸).



فرایند حرکت های اجتماعی

در بسیاری از موارد حرکت های اجتماعی ناگهان و یکباره عملی نمی شود بلکه برعکس به تدریج و به صورت جریانی متوالی در مقابل حوادث ظاهر شده و گسترش می یابد. غالباً این گونه حرکت های اجتماعی با حوادثی کوچک و حتی بی اهمیت آغاز می شود. رفتارهای اجتماعی از یک سری تصمیمات پی درپی و طولانی و اعمالی که ظاهراً در ابتدا ارتباطی بین آنها وجود ندارد و نیز از انباشت تدریجی عدواتها ناشی می شود. حوادثی که باعث حرکت آغازین حرکت های اجتماعی می شود و یا به عبارتی دیگر، جرقه انقلاب را ایجاد می کند ممکن است با نتایجی که به بار می آورد، هم سنگ نباشد و یا به عبارتی دیگر، آنچه که در نهایت موجب پیش آمدن حرکت های اجتماعی می شود شرایط و زمینه های انفجارگونه ای است که از مدت ها قبل بر هم انباشته شده است.

میرزا کوچک خان در جریان نهضت مشروطیت ایران، دست از تحصیلات خود کشیده و در تحسن آزادی خواهان رشت در شهرداری عثمانی شرکت داشت و پس از واقعه مدیریه و قتل سردار افخم حاکم رشت به دست مجاهدان به صف انقلابیون پیوست. سپس در اردوی گیلان به منظور فتح تهران شرکت کرد. او حتی برای مقابله با محمدعلی شاه مخلوع که پس از خلع از سلطنت و فرار به روسیه قصد داشت تا بار دیگر و با حمایت دولت روسیه تزاری به ایران بازگردد، به گمش تپه در ترکمن صحرا رفت و در یکی از جنگ های آنجا سخت مجروح شد و برای درمان به بادکوبه و سپس تفلیس اعزام شد. پس از بازگشت به ایران و در ایام استقرار نظام مشروطه، با دستگاه دولتی و حکام جدید و قدیم که قدرت سیاسی و اقتصادی را در دست خود گرفته بودند به مخالفت پرداخت. پس از این تلاش ها تصمیم گرفت برای ایجاد مرکزی سیاسی و نظامی و مستقل به شمال ایران برود و در سایه جنگل های انبوه آن سازمان مردمی و انقلابی خود را پی ریزی کند.

جدایی ها و هم آوازی ها

در حرکت های اجتماعی نقطه آغاز زمانی است که شکافی عمیق و غیرقابل ترمیم بین محافظه کاران و کسانی که سعی دارند تغییراتی را به وجود آورند، ایجاد می شود و بدین ترتیب این موضوع آشکار می شود که باید قدرت و رژیم موجود را واژگون کرده و آن را در هم کوبید در چنین حالتی تصویری از رژیم موجود مجسم می شود که در آن کلیه اتهامات و تمام دشمنی هایی که ایجاد کرده است متبلور می شود؛ آنگاه از طریق ادبیات سیاسی و با استفاده از تبلیغات، ترانه ها، کاریکاتورها، رژیم را با کنایه و طنز مورد حمله قرار می دهند. ایجاد جدایی کامل بین قدرت حاکم و جنبش های اجتماعی موجب اتفاق نظر و هم آوازی بین نیروهای



اجتماعی را فراهم آورده و در نتیجه باعث حفظ و افزایش قدرت این نیروها می‌شود. در این زمینه می‌توان به روشنی نشان داد چگونه نهضت جنگل برای آمادگی اذهان عمومی در جهت اجرای برنامه‌های خود ابتدا به بررسی وضعیت افکار عمومی و آماده کردن آنان در جهت الغای سلطنت دست زد. جنگلی‌ها برای تحقق افکار خود مبنی بر فتح تهران پس از خروج کامل قوای روسیه از ایران به آمادگی افکار عمومی پرداختند. آنان در گزارشی اوضاع تهران را مناسب فتح دانسته و در نتیجه مردم را آماده همراهی با خود کردند. در گزارشی از وضع تهران چنین آمده است:

اوضاع تهران به اندازه‌ای بد و خراب است که قلم از نوشتن عاجز است. اغلب دکاکین نانوائی بسته، هر روزه عده کثیری از فقراء در گوشه خیابان‌ها و کوچه‌ها از گرسنگی جان می‌دهند. وزراء هم به واسطه همین پریشانی مردم و سختی امر نان تا اندازه‌ای منفور عامه شدند. جمعی را عقیده اینست سبب این سختی سفارت انگلیس و طرفداران او هستند که گندم را به هر قیمتی که بوده خریده و انبار می‌کنند که مردم از زور پریشانی، به سفارت پناهنده شوند. بدون تعارف و ظاهرسازی عرض می‌کنم تمام مردم از هر دسته بلااستثناء و بدون خروج فردی از طبقه زارع و فعله تا اعیان و علماء و اشراف یگانه علاج را به وجود جنگلی‌ها می‌دانند. حتی احزاب سیاسی هم عاجز از هر گونه اقدامات هستند. چاره به جز تهیه مقدمات برای ورود جنگلی‌ها نمی‌دانند (کشاورز، ۱۳۷۱، ص ۵۶-۵۸).

در مورد الغای سلطنت می‌توان به نامه‌ای از میرزا اشاره کرد که در آن از جمهوری نام می‌برد. در آن نامه میرزا به صراحت اعلام می‌کند که برنامه اعمال مشروطیت به نتیجه مطلوب نرسیده است و اعلان جمهوریت همچون نیروی الهام‌بخش در سطح جهان در درون مرزهای ایران نیز لازم می‌آید.

بنده می‌گویم انقلابات امروزه ما را تحریک می‌کند مثل سایر ممالک دنیا، در تمام ایالات ایران، اعلان جمهوریت در داده و رنجبران را از دست راحت‌طلبان برهانیم. ولکن درباریان تن در نمی‌دهند که مملکت ما با قانون مشروطیت از روی پروگرام دموکراسی اداره گردد (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۲۴۰).

اتحاد و هیجان جمعی

هر جریان اجتماعی نقاط اوجی نیز دارد. این نقاط اوج لحظاتی هستند که در آن حوادث و وقایع در قالب نوعی اتحاد و هیجان جمعی سیر می‌کند. این وقایع معمولاً از نوع کنش‌های اصیل و یا رفتارهای شجاعانه‌ای هستند که خیر و نوید از پیروزی و دگرگونی اجتماعی را می‌دهند. این وقایع ممکن است جنگ و یا تصرف مکانی مهم و یا ساختمانی راهبردی یا نمادین و یا اعدام



یک شخصیت رژیم و نظیر اینها باشد. آنچه را که مهم است، چنین واقعه‌ای وحدت و قدرت نیروهای اجتماعی و هدف جنبش را در مبارزه علیه رژیم در خود متمرکز ساخته و نقطه عطف و لحظه خاص در روند حرکت اجتماعی را پدید می‌آورد. در چنین لحظه‌ای حرکت اجتماعی تمامی پیام‌های خود را علنی کرده و با قدرت هرچه تمام‌تر به پیش می‌برد. یکی از ویژگی‌های اصلی نهضت جنگل ضدیت با انگلیس و همچنین با مظاهر و دنباله‌های داخلی آن بوده است. ابتدای نهضت جنگل و تأسیس آن، اخراج ارتش روس و انگلیس از ایران از اهداف عمده آنان بود. سپس لغو قرارداد ۱۹۱۹م. و براندازی و ثوق‌الدوله به‌عنوان دنباله داخلی انگلیس از اهداف دیگر نهضت جنگل بوده است. این نوع نگاه و برخورد جنگل با آن‌ها موجب محبوبیت ملی و پیوستن مردم بوده است. این ویژگی با اعلام جمهوری ایران از سوی نهضت جنگل تداوم یافت زیرا متحدان جدید نهضت نیز بخشی از اهداف خود را مبارزه علیه انگلستان می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند که نفی دیگر مظاهر ستم در ایران از مبارزه علیه انگلستان جدا نیست (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳-۱۳۳).

افراطی‌گری و اعتدال‌گرایی

معمولاً در پس اتفاق‌نظرها و وحدت موجود در حرکت‌های اجتماعی اختلاف‌نظرهای عمیقی نیز می‌توان یافت. جنبش‌های فراوانی هستند که اختلاف آن‌ها با یکدیگر تا حدود زیادی قابل‌مقایسه با اختلافاتی است که با رژیم حاکم دارند. این جنبش‌ها ممکن است موقتاً هدف مشترکی داشته باشند و در مقابل دشمن مشترک با هم متحد شده و ائتلاف کنند و رهبری واحدی را برگزینند اما در عین حال بر سر اختلاف‌نظر خود باشند. مهم‌ترین اختلاف‌نظر و جدایی بین دو گروه شاید آن باشد که ما آن را تفرقه بین افراطیون و اعتدالیون نام می‌نیم. در تمامی انقلابات و حرکت‌های اجتماعی این دو گروه را در مقابل هم می‌بینیم. افراطیون اساسی‌ترین پیشنهادها را ارائه داده و طرفدار توسل به شیوه‌های خشن و قهرآمیز هستند و در مقابل اعتدالیون طرفدار تحولی تدریجی و گام‌به‌گام بوده و سعی در ارائه روش‌های مسالمت‌آمیز دارند. دشمنی بین این دو گروه، گاه آنچنان قوی است که متقابلاً یکدیگر را خطرناک‌تر از دشمن مشترکشان تلقی می‌کنند و به نظر هر یک از آن‌ها گروه مقابل به دلیل افراطی بودن یا میانه‌رو بودن حرکت اجتماعی را به خطر انداخته و به هدفی که هر دو مشترکاً برای آن مبارزه می‌کنند، خیانت می‌ورزند.

جمهوری جنگل از دو طیف تشکیل می‌شد. در یک طیف میرزا کوچک‌خان و در طیف مقابل، احسان‌الله خان و خالو قربان، حزب کمونیست ایران و روس‌های سرخ قرار داشتند. این دو در موارد زیر با یکدیگر اختلاف داشتند. انترناسیونالیست، ضدیت با استعمار، آزادی‌خواهی



و ضدیت با مذهب. نگاه افرادی مانند احسان‌الله خان و خالو قربان به جمهوری، اعتقادی در خدمت مجموعه‌ای بزرگ‌تر به‌عنوان انقلاب جهانی دیده می‌شد. آنان می‌خواستند تا از طریق جمهوری گیلان مرام خود را در ایران اشاعه دهند. آنان آرمان و آمال خویش را در سطح جهانی تعریف می‌کردند. چنانچه در مرام‌نامه حزب کمونیست ایران می‌خوانیم مقصود و مسلک ما مساوات و برابری اقتصادی و سیاسی بنی نوع بشر است. در نتیجه این طیف نگاهی کاملاً خوشبینانه نسبت به روس‌های سرخ داشته و به‌جای تأکید بر یک ملت خاص کل بشریت را از منظر ایدئولوژیک در نظر می‌گرفت (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۵۵-۵۶).

این در حالی است که میرزا کوچک‌خان پایه حرکت خود را بر تأمین منافع ملی قرار داده بود. از نظر او منافع ملی زمانی تأمین می‌شد که استقلال جنبش، جمهوری و کل کشور حفظ شود. طیف میرزا ضمن همدلی با مبارزات آزادی‌بخش در سطح جهان، حل مسئله ایران را یک ضرورت اعتقادی تلقی می‌کرد و همکاری با روس‌های سرخ را فقط تا حدی طلب می‌کرد که استقلال جنبش حفظ شود. در نتیجه او هرگز به آن‌ها اعتماد مطلق نمی‌کرد.

جناح‌های افراطی در نهضت جنگل به این نتیجه رسیده بودند که میرزا کوچک‌خان به نظریه‌پرداز نظام سرمایه‌داری تبدیل شده و خواهان قطع همکاری با او و همچنین خواستار جنگ مسلحانه علیه وی بودند (رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۵). همچنین طیف مقابل میرزا مبارزه با استعمار را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی حرکت خود مطرح می‌کردند. این گروه می‌کوشیدند که از طریق مبارزه با استعمار در ایران ضمن تحقق بخشی از نظریه خود، یعنی نفی استعمار در ایران، زمینه را برای تحقق بخش دیگر نظریه خود یعنی تحقق اهداف جهانی هموار کنند (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

در زمینه آزادی‌خواهی گروه‌های مقابل میرزا کوچک‌خان آزادی را مبتنی بر نفی استبداد به‌عنوان دنباله استعمار برای ایجاد زمینه دگرگونی در سطح جهانی و طرح حقوق قشرهای تحت ستم فرهنگ سنتی می‌دانستند. ذکر این نکته ضروری است، درک آنان از آزادی متضمن تساهل نسبت به عقاید دیگر نبوده است. عدالت‌خواهی نیز یکی از مؤلفه‌های اساسی ایدئولوژی طیف مقابل میرزا کوچک‌خان بوده است. به‌طور کلی درک آنان از عدالت عبارت است از تغییر شرایط اجتماعی در مسیر سوسیالیست که در قالب برنامه‌های دو طیف قابل توجه است.

یکی دیگر از مؤلفه‌های جناح مقابل میرزا کوچک‌خان، ضدیت با مذهب بود. چنانچه احسان‌الله خان بارها بر هویت غیرمذهبی خود تأکید داشته و حتی میرزا را نیز به ترک مذهب تشویق می‌کرد. در گزارشات متعدد آمده است که کمونیست‌ها بارها دست به کار تبلیغات ضد مذهبی می‌زدند. برای مثال در چند هفته اول حکومت جمهوری نوزده مسجد را بست، تعلیمات مذهبی را ممنوع اعلام کرد و رفع حجاب زنان را اجباری خواند، روحانیون مسلمان که شدیداً



مخالف این اقدامات بودند، علناً مورد استهزاء قرار گرفتند (ذبیح، ۱۳۶۴، ص ۵۵) و این در حالی است که میرزا به تبلیغات ضد مذهبی آنان که به روند انقلاب آسیب می‌رساند در نامه‌ای به یوسف ضیاء اشاره می‌کند (گیلک، ۱۳۷۱، ص ۳۹۲).

در زمینه مذهب نیز اختلافاتی بین دو طیف مشاهده می‌شد. طیف میرزا دارای اعتقادات مذهبی بود و ادبیات مذهبی در سخنان آن‌ها کاملاً نمود داشت.

ضد انقلاب (مخالفان جنبش‌های اجتماعی)

هر حرکت اجتماعی در جریان تداوم خود ناگزیر با نیروهای مخالف روبه‌رو می‌شود. این نیروی مخالف ممکن است در آغاز جریان اجتماعی و یا حتی قبل از آن ظاهر شود. مخالفان جریان‌های اجتماعی در قالب اختناق تلاش می‌کنند که آن را در نطفه خفه کنند. آنان از طریق روش‌هایی مانند وعده و وعید دادن و قبول بخشی از برنامه‌های جریان‌های اجتماعی و تضمین انجام دادن تغییرات، سعی در نابودی آن دارند. بدین ترتیب، ضدانقلاب تحولی تدریجی را جایگزین انقلاب کرده که به‌زعم آنان مؤثرتر از انقلاب است. آنان در مقابل سمبل‌ها و تصورات ذهنی انقلابیون با ایجاد سمبل‌ها و تصاویر ذهنی مخالف به مقابله برمی‌خیزند و بدین ترتیب انقلاب قریب‌الوقوع یا در جریان را خطرناک و خونین جلوه داده و نتایج آن را شوم تلقی کرده و انقلابیون را تحت عناوین خرابکاران و محرکین، انقلابیون تخیلی و از این قبیل معرفی می‌کنند. از سوی دیگر نباید این تصور را داشت که ضدانقلاب منحصرأ از بین نیروهای حاکمیت موجود برمی‌خیزند زیرا اتفاق می‌افتد که از درون گروه‌های انقلابی و به‌دنبال تفرقه‌های درونی ضد انقلاب پدید می‌آید.

در یک تقسیم‌بندی، گروه‌ها و نیروهای مخالف نهضت جنگل را می‌توان به زمین‌داران بزرگ، سیاستمداران و سرمایه‌داران، دولتی‌ها، روحانیون وابسته، احمد شاه قاجار و خوانین و اشراف منطقه‌ای مانند خوانین طالش و تنکابن، قزاق‌های ایرانی و نیروهای انگلیسی و روسی، نیروهای انشعابی احمدخان کسمایی و مأموران ادارات مالیه در گیلان تقسیم کرد (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۸، ص ۷۵-۸۱).

نهضت جنگل تا پیش از تأسیس جمهوری و ارتش سرخ ایران بزرگترین تضاد درونی خود را در سطح رهبری تجربه کرد و آن جدایی حاج احمد کسمایی و مجاهدین کسمایی همراه او بوده است. آنان همواره نسبت به اقدامات میرزا کوچک‌خان در تأسیس پایگاه نظامی در گوراب زرمیخ و عدم توجه به کسما و به‌کارگیری افراد غیربومی به‌جای نیروهای گیلانی اعتراض داشتند. تضاد دیگری نیز وجود داشت و آن شرکت‌ندادن احسان‌الله خان از سران نهضت جنگل در جلسات مشاوره و اخذ تصمیمات مهم بوده که همواره مورد اعتراض و شکایت احسان‌الله



خان بوده است (فخرایی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۳ و ۲۳۹).

همچنین می‌توان به تقسیم حکومت انقلابی گیلان به چهار منطقه از نظر نظامی و سازمانی و سیاسی اشاره کرد که منطقه فومن و جنگل‌های گیلان به رهبری میرزا کوچک‌خان، منطقه انزلی به رهبری حیدرخان عموغلی، منطقه رشت در دست خالو قربان و منطقه لاهیجان توسط احسان‌الله خان اداره می‌شد (رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۹). این امر گواهی بر ناهمگونی و اختلاف بین سران نهضت جنگل است.

در کنار آنان باید از سیاستمداران و سرمایه‌داران هم یاد کرد. این گروه بر اثر جنگ‌های متوالی و همچنین قطع راه‌های تجاری و پیدایش ناامنی‌های اجتماعی و آوارگی طولانی‌مدت سرمایه‌داران در آرزوی صلح بوده‌اند. این افراد با افزایش فشار دولت مرکزی از نهضت جنگل جدا شدند. این اقشار و طبقات مرفه و ثروتمند گیلان زمانی که نهضت جنگل اوج می‌گرفت به جانبداری آن پرداخته و زمانی که شکست‌های سیاسی و نظامی بر جنگل وارد می‌شد از آن فاصله می‌گرفتند. زمین‌داران نیز نمی‌توانستند با جنگلی‌ها که عموماً از دهقانان و کشاورزان بی‌زمین و یا کم‌زمین بودند، هماهنگ شوند زیرا دهقانان دیگر از پرداخت بهره‌های مالکانه خودداری می‌کردند. همین موضوع کافی بود تا زمین‌داران به مخالفت با نهضت جنگل بپردازند (میرابوالقاسمی، ۱۳۷۸، ص ۷۶-۷۷؛ رواسانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۲).

نتیجه‌گیری:

اگر جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی در سده اخیر را بررسی کنیم به برخی وجوه مشترک در آن‌ها بر خواهیم خورد. در این مقاله تلاش شد تا به صورت موردی با نگاه به نهضت جنگل به این مهم پرداخته شود. سیر حوادث و وقایع نهضت جنگل و مواضع رهبری آن نشان می‌دهد که اعتقاد کامل و جادمی به اسلام و ایران و عدالت‌خواهی و ملی‌خواهی داشتند و تمامی تلاش خود را در جهت حفظ استقلال و آزادی سرزمین ایران و به‌ویژه گیلان از حضور بیگانگان و دخالت و حمایت آنان از دولت مرکزی به‌کار گرفتند.

برنامه‌های نهضت، جنبه‌های عام و مردمی داشت و از نظر ترکیب اجتماعی شامل دهقانان محروم و ستمکش، اقشار کم‌درآمد شهری، افرادی از قشر خرده مالکان و بخشی از روشنفکران ملی‌گرا و روحانیون وابسته به کمیته اتحاد اسلام در گیلان بودند. در ادامه راه نهضت و در زمان ورود ارتش سرخ به گیلان عده‌ای از نیروهای وابسته و معتقد به جنبش‌های مارکسیستی نیز به ترکیب اجتماعی نهضت جنگل پیوستند.

تقویت و گسترش نهضت جنگل و ترکیب ناموزون و ناهمگون اجتماعی آن موجب شد تا رهبران نهضت در تضاد منافع با یکدیگر قرار گرفته و به اتهام‌زدن به یکدیگر پرداخته و در



نهایت این مسئله به تضعیف نهضت و شکست آن انجامید. مالکان بزرگ گیلان که در دولت وابسته به استعمار نیز صاحب نفوذ بودند با ریشه‌گرفتن هر چه بیشتر نهضت و رشد آگاهی کشاورزان و اقشار کم‌درآمد شهری، منافع خود را در خطر دیده و از ورود قوای دولتی به گیلان و رشت استقبال کردند.

در درون نهضت نیز بین نیروهای مذهبی و غیرمذهبی آن اختلاف به‌وجود آمد. یکی از مؤلفه‌های جناح مقابل میرزا کوچک‌خان، ضدیت با مذهب بود. چنانچه احسان‌الله خان بارها بر هویت غیرمذهبی خود تأکید داشته و حتی میرزا را نیز به ترک مذهب تشویق می‌کرد. در گزارش‌های متعدد آمده است که کمونیست‌ها بارها دست به کار تبلیغات ضدمذهبی می‌زدند. اقشار و طبقات مرفه و ثروتمند گیلان زمانی که نهضت جنگل اوج می‌گرفت به جانبداری آن پرداخته و زمانی که شکست‌های سیاسی و نظامی بر جنگل وارد می‌شد از آن فاصله می‌گرفتند. زمین‌داران نیز نمی‌توانستند با جنگلی‌ها که عموماً از دهقانان و کشاورزان بی‌زمین و یا کم‌زمین بودند هماهنگ شوند زیرا دهقانان دیگر از پرداخت بهره‌های مالکانه خودداری می‌کردند.

منابع

- دولت آبادی، یحیی (۱۳۳۱). *حیات یحیی*. تهران: ابن سینا.
- ذبیح، سپهر (۱۳۶۴). *تاریخ جنبش کمونیستی در ایران*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: انتشارات عطایی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۱). *نهضت جنگل*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۳). *نهضت میرزا کوچک خان جنگلی*. تهران: نشر چاپخش.
- روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره ۲۸.
- روشه، گی (۱۳۷۰). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۶۰). *حیدر عمو اوغلی در گذر از طوفان‌ها*. تهران: انتشارات دنیا.
- فخرائی، ابراهیم (۱۳۶۸). *سردار جنگل*. تهران: انتشارات جاویدان.
- کریمی، بهنام (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی نهضت جنگل*. تهران: نشر قصیده.
- کشاورز، فتح‌الله (۱۳۷۱). *نهضت جنگل و اتحاد اسلام*. تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی.
- گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب جنگل*. رشت: نشر گیلکان.
- موسوی، سیدصفا (۱۳۵۸). *تاریخ مکمل جنگل*. رشت: چاپ حقیقت.
- واگو، استفان (۱۳۷۲). *درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی*. ترجمه احمد غروی‌زاد. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- Ginsberg , M. (1958). Social change, British Journal of Sociology. 4, p.205.

